

# کار بست نظریه‌های چند فرهنگ‌گرایی در تبیین فرایند صلح ترکیه با کردهای این کشور

میرهادی موسوی قرالری<sup>۱</sup> / حامد علی‌نژاد<sup>۲</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 
۱. آقای میرهادی موسوی قرالری دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی از دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه [mirhadimousavi@yahoo.com](mailto:mirhadimousavi@yahoo.com)
  ۲. آقای حامد علی‌نژاد دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی از دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه [alinejadpolitic@yahoo.com](mailto:alinejadpolitic@yahoo.com)
- تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۲ تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۶/۲۰

## چکیده

قومیت در خاورمیانه، مسئله‌ای پیچیده است و کشورهای چندقومیتی همواره با مشکلات فراوانی از این ناحیه روبه‌رو بوده‌اند. برخی رویه سرکوب را در قبال مطالبات قومی در پیش گرفته‌اند و در مقابل، عده دیگری در تلاش بوده‌اند که با دادن حقوق فرهنگی و سیاسی به قومیت‌ها از بحرانی ناخواسته جلوگیری کنند. در این میان، سیاست ترکیه در قبال قومیت‌ها و به‌ویژه کردها، به‌عنوان اصلی‌ترین اقلیت قومی کشور، فرازونشیب زیادی داشته است. تا پیش از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، ترک‌ها سیاست سرکوب را در مقابل کردها در پیش گرفته بودند، اما با روی کار آمدن این حزب، می‌توان تغییراتی اساسی را در این رویه مشاهده کرد. فهم این مسئله از آن‌رو اهمیت دارد که مسئله کردها در ترکیه، اصلی‌ترین مسئله داخلی این کشور در طول دوره‌ای طولانی بوده است. در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی تلاش بر این است که فرایند صلح ترکیه و کردهای این کشور را با به‌کارگیری نظریه‌های چندفرهنگ‌گرایی توضیح دهیم و بنابراین درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که نظریه‌های چندفرهنگ‌گرایی چگونه می‌توانند فرایند صلح در ترکیه را تبیین کنند؟ نتیجه‌ای که در این نوشتار به‌دست آمده، حاکی از این است که نظریه‌های چندفرهنگ‌گرایی قابلیت تبیین فرایند صلح ترکیه و کردهای این کشور را دارند.

### ▪ واژگان کلیدی:

نظریه‌های چندفرهنگ‌گرایی، فرایند صلح، حزب عدالت و توسعه، کردهای ترکیه

## مقدمه

کردها بزرگ‌ترین اقلیت ساکن در ترکیه هستند. باین‌حال، این گروه پس از تأسیس جمهوری ترکیه تأثیرگذاری اندکی بر سیاست ترکیه داشته است. در امپراتوری عثمانی، مسئله‌ای به‌نام مسئله کردها وجود نداشت و اساساً امپراتورهای عثمانی به‌دنبال تحمیل هویت و زبان ترکیه به دیگر قومیت‌های ساکن در قلمرو امپراتوری، نبودند. پس از تشکیل جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳، دولتمردان این کشور شروع به تحمیل هویت و زبان ترکی به کردها کردند و به‌عبارت دیگر سیاست ادغام را در مورد کردها در پیش گرفتند. در این دوره کردها را با عنوان‌هایی مانند «ترک کوهی»<sup>۱</sup> و یا «افرادی که خود را به‌اصطلاح کرد می‌دانند» خطاب می‌کردند. استفاده از زبان کردی ممنوع بود و مجازات سنگینی برای افرادی که خواستار استفاده از این زبان بودند، در نظر گرفته می‌شد. هویت کردی به‌شدت توسط مقامات دولتی انکار می‌شد و نام مکان‌هایی که اسامی کردی داشتند، تغییر داده می‌شد و حتی گذاردن نام کردی بر فرزندان توسط والدینشان غیرقانونی بود (Güçlü, 2013).

کردها در ترکیه همواره گروهی بوده‌اند که هویت آنها نادیده انگاشته شده و حضور آنها در صحنه سیاسی ترکیه با شورش‌ها و نبردهای چریکی گره خورده است. حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) نماد برجسته این جریان در میان کردهای ترکیه است. پ.ک.ک که از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ جریانی مارکسیستی-مائویستی و انقلابی شمرده می‌شد، از یک‌سو با فروپاشی سیستم دوقطبی و تغییرات موازنه قدرت در عرصه جهانی و از سوی دیگر، با عدم نفوذ گسترده آنها در میان جوامع کردنشین به دوران ناسیونالیسم محض پا گذاشت؛ دورانی که از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ به‌طول انجامید. در این دوره آنها از کردستان بزرگ و استقلال آن سخن می‌گفتند؛ موضوعی که اقبال عمومی و به‌دنبال آن، نفوذ و مشروعیت میان کردها را برای آنها به‌ارمغان آورد. اما به‌قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در ترکیه از اواسط دهه ۱۹۹۰ و نفوذ آنها در میان کردها عاملی شد که این جریان به لفاظی‌های مذهبی روی

آورده و بکوشد ترکیبی از ناسیونالیسم کردی و مذهب را پدید آورد تا جوامع هدف به‌سوی ترک‌های اسلام‌گرا کشیده نشوند (Tahiri, 2007: 232).

این گرایش پ.ک.ک که از ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ ادامه داشت، با دستگیری اوجالان روبه‌ضعف نهاد. با دستگیری اوجالان این جریان که یک دهه با تأثیر گرفتن از ایده‌های وی هدایت شده بود، بار دیگر تحت تأثیر جریان‌های چپ قرار گرفت و این نیروها توانستند ناسیونالیست‌های محافظه‌کار را به‌حاشیه برانند. این‌بار ناسیونالیسم کردی با مارکسیسم معتدل، تلفیقی دوباره یافت و تا حدی ویژگی انقلابی و مسلحانه آن کاهش پیدا کرد. پس از حوادث یازده سپتامبر و آغاز جنگ با تروریسم، این رویکرد هرچه بیشتر نهادینه شد، هرچند به‌معنای حذف جنگ‌طلبان از درون پ.ک.ک نبود. «حزب کارگران کردستان» به «کنگره آشتی و دموکراسی کردستان» تغییر نام داد تا خود را از محدودیت‌های مربوط به یک گروه تروریستی برهاند و سازمان جدید را جریانی با اندیشه‌هایی نو نشان دهد (Yenisafak, 2000).

به‌قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه تأثیر بسزایی در تعمیق این رویکرد داشت. شرکت کردها و جریان‌های وابسته به پ.ک.ک در قالب نمایندگان مستقل و نه حزبی در انتخابات‌های ۲۰۰۲ (با حمایت حزب دموکراتیک خلق)، ۲۰۰۷ (با حمایت حزب کنگره جامعه دموکراتیک) و ۲۰۱۱ (با حمایت حزب صلح و دموکراسی) نشان بارز یک تحول بود که هم‌زمان با به‌قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه روی داد. آنها سعی داشتند رفته‌رفته کردها را به خود نزدیک کنند. در این مقطع، ترکیه شاهد دو دوره آتش‌بس از سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ و از ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ و همچنین مذاکرات اسلو بود. هرچند جریان‌های طرفدار جنگ از جمله «ابتکار عمل کردها»، «طرفداران حامیلی بیلدریم و «یاژک (شاخه زنان)» با مذاکرات صلح مخالف بودند و انشعابی با رهبری کانی ییلماز در حزب به‌وجود آمد، اما اوجالان در حال تزریق اندیشه‌های نوین به حزب بود که نتیجه آن، چیزی جز کنفدرالیسم دموکراتیک و کنار گذاشتن ایده دولت مملکت‌گرا نبود (Yunanistan'ın terör örgütü PKK'ya verdiği açık destek, 2003).

اوجالان پس از سال ۲۰۰۴ و با تأثیرپذیری از اندیشه‌های بوکچین و دو کتاب

«بوم‌شناسی آزادی» و «شهرنشینی بدون شهر»، این اندیشه‌ها را وارد گفتمان سیاسی خود کرد. نوعی اعتقاد به یک حکومت غیرمتمرکز که آزادی عمل بیشتری به شهرداری‌ها و استانداری‌ها داده و انتخاب مقامات محلی از طریق کنگره‌های دموکراتیک مردمی انجام می‌شود (Birand, 1992: 79-83). در نهایت این تحولات به شکل‌گیری پروژه صلح ۲۰۱۲، ایجاد مجمع فرزندگان صلح، کمیسیون ۱۷ نفره ناظر بر صلح و عقب‌نشینی از مواضع خود درباره تغییرات قانون اساسی و احیای حزب دموکراتیک خلق در سال ۲۰۱۳ انجامید. می‌توان گفت که با وقوع این تحولات فکری و نهادینه شدن آنها پس از سال ۲۰۱۲، پ.ک.ک به ترکیبی از سوسیالیسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم نزدیک شده است؛ ترکیبی که در نهایت آنها را هرچه بیشتر به دستورکارهای دولت و تعامل و گفتگو با آن نزدیک می‌کند. درخواست اوجالان در نوروز ۲۰۱۵ برای کنار گذاشتن جنگ مسلحانه، نماد بارز این تعامل است (Oral, 2015).

با توجه به این مسائل می‌توان ادعا کرد که تاکنون هیچ حزبی به اندازه حزب عدالت و توسعه در راستای اعطای حقوق کردها عمل نکرده است. یکی از دلایل تأیید این ادعا، این است که در انتخابات مختلف، حزب عدالت و توسعه بیشترین میزان رأی را از مناطق کردنشین کشور به دست آورده و حتی در آخرین انتخابات پارلمانی، حزب دموکراتیک خلق‌ها نیز وارد پارلمان شده است. این روند که در دوره حزب عدالت و توسعه شروع و بعدها به «فرایند صلح» معروف شد، تاکنون فرازونشیب‌های زیادی داشته است. در این نوشتار به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که نظریه‌های چندفرهنگ‌گرایی چگونه می‌توانند فرایند صلح را در ترکیه تبیین کنند؟ فرض ما بر این است که نظریه‌های چندفرهنگ‌گرایی توانایی تبیین فرایند صلح ترکیه و کردهای این کشور را دارند. برای درک این مسئله که آیا این نظریه‌ها می‌توانند پاسخ‌گوی تحولات موجود در روابط میان دولت ترکیه و کردهای این کشور باشند و زمینه را برای فرایند صلح میان این دو فراهم کنند، باید تنوع قومی در ترکیه را به‌عنوان مبنای آن در نظر گرفت. این مقاله در چهار بخش مسئله کردها در ترکیه، نظریه‌های چندفرهنگ‌گرایی، نظریه‌های چندفرهنگ‌گرایی در تحلیل صلح ترکیه و کردها و نتیجه‌گیری تنظیم شده است.

## ۱. مسئله کردها در ترکیه

بسیاری از پژوهشگران، کردها را مردمانی می‌دانند که به صورت پراکنده در ۴ کشور ترکیه، عراق، ایران و سوریه ساکن هستند (Ozsoy, 2013: 103). کردها با جمعیت حدود ۱۳ میلیون نفر (۱۸ درصد کل جمعیت ترکیه)، بزرگ‌ترین اقلیت ساکن در ترکیه را تشکیل می‌دهند. براساس آمار ارائه‌شده از سوی مرکز آمار ترکیه، در طول سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳، ۵۶ درصد کودکان متولدشده در شرق و جنوب شرقی ترکیه از قومیت‌های موسوم به کرد هستند (Eedem, 2013). منطقه اسکان کردهای ترکیه در سال‌های اخیر دستخوش تغییرات جغرافیایی شده است. شاید بتوان مهاجرت‌های کردهای ترکیه را بزرگ‌ترین کوچ اختیاری دهه معاصر در جهان نامید. این قوم ساکن در منتهی‌الیه شرقی ترکیه، هم‌اکنون استانبول که دروازه غرب این کشور است را به پرجمعیت‌ترین شهر کردنشین جهان با جمعیتی حدود ۵/۲ میلیون نفر تبدیل کرده‌اند و درعین حال آنکارا به‌عنوان پایتخت ترکیه و نماد پان‌ترکیسم معاصر، حدود ۵/۱ میلیون کرد را در خود جای داده است. مهاجرت کردها از شرق و جنوب شرقی ترکیه به غرب و جنوب غربی این کشور باعث تغییر بافت جمعیتی بسیاری از شهرهای این کشور (به‌ویژه حاشیه شهرهای بزرگ) شده است. شهرهایی مانند ازمیر، آدانا، استانبول، آنکارا و... به محاصره کردهای مهاجر درآمده‌اند، تا جایی که برخی از نخبگان سیاسی ترکیه صحبت از پدیده «محاصره شهرها توسط کردها» می‌کنند (Sardag, 2015: 1).

البته مهاجرت کردها از شرق به غرب ترکیه ناشی از تلاش برای طرح‌ریزی جامعه سیاسی کردها و یا حاکی از نوعی سوءنیت در بین اقوام کرد برای تحت فشار قرار دادن دولت آنکارا نبوده، بلکه بیشتر مربوط به مشکلات معیشتی، اقتصادی و مصائب سیاسی کرد بودن در ترکیه (نگاه امنیتی دولت مرکزی، فقر و توسعه‌نیافتگی، ناامنی و وجود درگیری‌های مسلحانه) می‌شود.

پس از جنگ جهانی اول با توجه به قرارداد «سور»<sup>۱</sup> دولت عثمانی به اجبار و با فشار متفقین در بندهایی از این قرارداد، متعهد به اعطای استقلال به کردها شد که مصطفی

کمال آتاتورک با روی کار آمدن خود با توجه به وضعیت نابسامان ترکیه و با در نظر گرفتن جوانب موضوع، به کردها وعده داد که آنها در یک دولت تازه تأسیس دارای حقوقی برابر با ترک‌ها خواهند بود، اما با گذشت زمان، عملکرد وی عکس آن را اثبات کرد. در پی آن، گروه‌های گوناگون کردی، قیام‌ها و جنبش‌های زیادی را از کسب خودمختاری تا تشکیل کشور مستقل کردی دنبال کرده و می‌کنند (چگنی‌زاده و آثار ترم، ۱۳۸۸: ۱۹۸).

مسئله کردها از جمله مسائل عمده منطقه و یکی از بزرگ‌ترین مسائل امنیتی ترکیه بوده است. ریشه اصلی این پدیده در ترکیه را باید هویت‌زدایی قومی و فرهنگی کردها دانست که از جمله اقدامات آتاتورک در چارچوب اصول کمالیسم و در راه تأسیس جمهوری ترکیه بود. فلسفه کمالیسم در جمهوری ترکیه فقط هویت عام ترکی را برای همه اتباع و شهروندان این جمهوری به رسمیت می‌شناسد که به لحاظ سیاسی و فرهنگی به همه شهروندان اطلاق می‌شود. به این ترتیب مفهوم وجود دو ملیت مختلف یا اداره کشور بر اساس نظام فدرالی، در تعارض کامل با کمالیسم قرار می‌گیرد. این مسئله از همان ابتدا موجب پیدایش نوعی سرخوردگی در میان کردها نسبت به ترکیه نوین شد.

سیاست‌گذاران ترکیه با آگاهی از نارضایتی بین‌المللی از واکنش‌های کردها و هزینه بالای نظامی و امنیتی در مقابله با کردها، در پی آن هستند که کردها را به شکلی محدود و کنترل شده وارد زندگی سیاسی-اقتصادی کشور کنند. در همین راستا، برخی از مسئولان ترک اعلام کرده بودند که مخالفت با هویت کردی، امری غیرممکن است و ترکیه مجبور است واقعیتی به نام کردها را به رسمیت بشناسد (اعتضاد السلطنه، ۱۳۹۱: ۱۷۱).

این موضوع که مسئله کردها در ترکیه مربوط به دوره جمهوری در این کشور می‌شود، به صورت گسترده پذیرفته شده است. دلایل تاریخی که منجر به شکل‌گیری مسئله کردی در ترکیه شده است، می‌تواند از طریق کاستی‌های دولت و ملت‌سازی در ترکیه توضیح داده شود (Icduygu, 2010: 993). سیاست ترکیه در قبال کردها، فرازونشیب‌های زیادی داشته است. از یک سو سیاست ترکیه در قبال کردهای خود در سال‌های اخیر دچار تغییر و تحول زیادی شده و از سوی دیگر، سیاست این کشور در قبال کردهای کشورهای دیگر به ویژه کردهای عراق و سوریه نیز دچار دگرگونی اساسی شده است.

## ۱-۱. سیر تاریخی - سیاسی کردها در ترکیه

مناطق کردنشین در اصل متعلق به ایران بودند، اما با شکست ایران از عثمانی‌ها در جنگ چالدران، بخش اعظم آن (تمام نواحی کردنشین به جز کردستان ایران) به امپراتوری عثمانی واگذار شد. درحقیقت آن دوره، نخستین برخورد جامعه کرد با ترک‌ها در قالب رابطه محکوم و حاکم بود که می‌توان از آن با عنوان دوره الحاق یاد کرد. دوران الحاق شاید تنها دوران رابطه ترکی - کردی باشد که حالت نزاع قومی نداشته است، زیرا در آن بازه زمانی بسیار کوتاه، کردهای سنی که از حکومت شیعه صفوی به حکومت سنی عثمانی واگذار شده بودند، فکر می‌کردند که قرابت مذهبی با حاکمان جدید، باعث پیشرفت و آسایش بیش‌ازپیش آنان می‌شود (نقدی‌نژاد، ۱۳۸۷). تلاش حکومت عثمانی برای تغییر مذهب کردها از مذهب شافعی به حنفی، کردها را به این نتیجه رساند که سلاطین عثمانی به دنبال تغییر هویت (ترک کردن) کردهای جامعه خود هستند. کردها در آن دوران ساختاری بسیار پراکنده و متفرق داشتند و در بین کوهستان‌های بلند اربیل، قندیل، دیاربکر و... محصور بودند و این مسئله باعث دورافتادگی آنها از هم و مانع ایجاد یک فرایند سازمان‌یافته قوم‌گرایانه در بین کردها می‌شد که امکان فعالیت‌های تشکیلاتی را از آنان می‌گرفت (Olson, 2002: 412-415).

با شروع تجزیه امپراتوری عثمانی، نخستین جرقه‌های حرکت مسلحانه کردها علیه ترک‌ها به‌طور سازمان‌یافته زده شد. گروه ترکان جوان به رهبری مصطفی کمال‌پاشا (آتاتورک) فرماندهی جنگ‌های استقلال ترکیه را به‌دست گرفت و مسیر آینده ترکیه و کردهای این کشور را تغییر داد، او دغدغه‌های جامعه کرد را می‌دانست و با دادن وعده و وعید به رهبران آنها، نیروهای کرد را تبدیل به ماشین سرکوب خود در جنگ با انگلیسی‌ها، اعراب و درنهایت یونان کرد (مشرق، ۱۳۹۳). اما پس از اینکه آتاتورک قدرت را به‌دست گرفت و پیروان نهضت کمالیسم او بر تمام ارکان قدرت مسلط شدند، ترک‌ها با تکیه به معاهده جدید لوزان، تنها حقوق اقلیت‌های مذهبی را به رسمیت شناختند و با ادعای اینکه کردها برادر مذهبی ترک‌ها هستند، آنها را به‌عنوان اقلیت به رسمیت شناخته و تمامی مظاهر کردی از جمله زبان، پوشش و... را ممنوع اعلام کردند. اقدام آتاتورک همچون تیر



خلاص، امکان اجماع پان‌ترکیسم با ملی‌گرایی کردی را به‌گور سپرد؛ این خاکسپاری موجب شکل گرفتن نخستین دور جنگ‌های مسلحانه ترکی - کردی در طول سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۲۴ و وقایعی همچون شورش شیخ سعید پیران، واقعه درسیم و قیام آرارات شد. دولت جمهوری جوان دو نوع پاسخ به درخواست و شورش کردها تدبیر کرد. در یک‌سو، آتاتورک و نزدیک‌ترین فرد به او، اینونو<sup>۱</sup>، راهکار اعلام قانون نظامی<sup>۲</sup> در منطقه، نقل‌مکان اجباری ده‌ها هزار خانواده کرد به غرب ترکیه و کمپین ترکی‌سازی<sup>۳</sup> در مقابل جامعه کرد را به‌کار گرفتند. این رویکرد در دوره دیکتاتوری نظامی<sup>۴</sup> زمانی که این دولت جنگ سیاسی<sup>۵</sup> در مقابل «کسانی که فکر می‌کنند کرد هستند» را اعلام کرد، به‌اوج رسید. در دیگر سو، جلال بایار<sup>۷</sup> نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور بعدی در دوره چندحزبی از رویکردی مدنی با تأکید بر اقدامات اعتدالی از جمله تجدیدنظر در سیاست‌ها و توجه به نیازهای شهروندان دفاع می‌کرد. این دوگانگی در سیاست‌های کردی ترکیه تا به‌امروز ادامه داشته است (Bahcheli, 2012: 10). فرایند تأثیرگذاری کردها بر جمهوری ترکیه با محور مطالبات قومی که شاید بتوان اوج آن را در سال ۱۹۲۷ با تشکیل جمهوری آرارات<sup>۸</sup> (که ترکیه را در آستانه فروپاشی مطلق و تبدیل شدن به ترکستان غربی قرار داد) دانست، شروع شد. (British documents on foreign affairs, 1997: 82).

البته این مسئله با در هم کوبیده شدن بزرگان بدرخانیان<sup>(۱)</sup> و روشنفکران کرد که بعدها به‌عنوان بنیانگذاران این رخدادهای آنان یاد شد، در ۲۳ ژانویه سال ۱۹۳۰ خاتمه یافت (Olson, 1996: 142). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در واپسین سال‌های دهه ۱۹۴۰، سیستم حزبی ترکیه دستخوش تغییرات پیچیده‌ای شد؛ به‌گونه‌ای که از نظام تک‌حزبی، درآمده و سیستم چندحزبی را برگزید. این موضوع

1. Inonu
2. Martial Law
3. Turkification Campaign
4. Military Junta
5. Political War
6. Those who Think they are Kurds
7. Celal Bayar
8. Republic of Ararat

باعث شد نیروهای مخالف کمالیسم نیز بتوانند در قدرت سهیم شوند. جلب رأی کردها از طریق تعدیل فضا به سود آنها به وسیله مجاز کردن آموزش محدود مذهب در مدارس به نتیجه رسید. در واقع یکی از مهم‌ترین اثرگذاری‌های کردها بر ساختار سیاسی ترکیه، نقش کلیدی آنان در به پیروزی رساندن حزب دموکرات به رهبری عدنان مندرس بود. کردها با یاری رساندن به حزب دموکرات موجب شدند سیستم اقتصادی دولتی ترکیه به رهبری حزب دموکرات، به سمت سیستم اقتصادی آزاد حرکت کند؛ حرکتی که موجب افزایش دخالت کردها در صحنه اقتصادی ترکیه شد. اثرگذاری کردها به حدی به چشم می‌آمد که به طور معناداری تقریباً ۹۰ درصد آرای صندوق‌های مناطق کردنشین ترکیه به سود «حزب دموکرات» ریخته شده بود (نقدی‌نژاد، ۱۳۸۷).

از اوایل دهه ۱۹۶۰ و با عزم شوروی برای صدور کمونیسم، ترکیه نیز بی‌نصیب نماند و احزاب و تشکیلات چپ در این کشور ظهور کردند. از آنجاکه اندیشه‌های کمونیستی ادعای برابری، برادری و رفع تبعیض می‌کنند، سیستم تبلیغاتی کمونیسم موفق به جلب نظر بخش قابل توجهی از جامعه کرد ترکیه شد و با جمع شدن کردها به دور حزب «کارگران ترکیه» این حزب کرسی‌های زیادی را در مجلس به دست آورد و اصلی‌ترین سازمان چپ‌گرای کردستان ترکیه، «حزب کارگران کردستان ترکیه»<sup>۱</sup> (پ.ک.ک) را در سال ۱۹۷۸ تأسیس کرد. تشکیل حزب کارگران در این سال منجر به شروع درگیری‌هایی با ابعاد گسترده میان نظامیان ترکیه و گروه پ.ک.ک و موجب گرفته شدن جان چهل هزار نفر از نظامیان و غیرنظامیان در ترکیه شد. پ.ک.ک به منظور کسب استقلال، خودمختاری، حقوق اجتماعی، فرهنگی و آموزشی شروع به درگیری با نیروهای نظامی ترکیه کرد. جدای از آسیب‌های فراوان جانی، مهم‌ترین نتیجه این درگیری‌ها تأثیر آن بر تفرقه در جامعه ترکیه بود (نقدی‌نژاد، ۱۳۸۷).

در طول ده سال گذشته، ترکیه راه درازی را در اعطای بعضی حقوق فرهنگی به اقلیت کردهای خود پیموده است. برای مثال دولت که مالک رادیو و تلویزیون ترکیه بود، اکنون یک شبکه تلویزیونی راه انداخته است که به زبان کردی پخش می‌شود. همچنین اکنون

1. Kurdish Workers Party - Partiya Karkerên Kurdistan (p.k.k)

یادگیری زبان کردی به‌عنوان زبان انتخابی در مدارس دولتی امکان‌پذیر است. فرایند صلح میان دولت آنکارا و ملی‌گرایان کرد در اکتبر ۲۰۱۲ با بیانیه اوجالان مبنی بر پایان دادن به درگیری نظامی با دولت ترکیه از سوی پ.ک.ک و شروع گفت‌وگوهای مستقیم با دولت آنکارا دوباره شروع شد. در مارس ۲۰۱۳، عبدالله اوجالان به طرفداران خود دستور آتش‌بس داد و در آوریل همان سال، فرمانده شاخه نظامی پ.ک.ک از تعهد خود مبنی بر خروج جنگجویان از خاک ترکیه خبر داد که این کار در مه ۲۰۱۳ شروع شد (Smith, 2013: 6). به‌نظر می‌رسد که دولت اردوغان در به‌پایان رساندن وضعیت موجود بسیار مصمم است، به‌گونه‌ای که از پارلمان خواسته است که هرچه سریع‌تر بسته دموکراتیک<sup>۱</sup> را که شامل بهبود وضعیت آموزش به زبان کردی، قوانین مربوط به تروریسم و کاهش کسب حدنصاب ده درصد در انتخابات توسط احزاب سیاسی برای ورود به پارلمان است، تصویب کند. یک سیاستمدار کرد ترکیه می‌گوید:

«راهی به‌غیر از اینکه اولویت‌هایی را برگزینیم، نیست: اول شما (پ.ک.ک) باید به درگیری نظامی پایان دهید، سپس شما خلع سلاح خواهید شد و بعد من حقوقتان را به شما خواهم داد و سپس مشکلات اقتصادی شما را حل خواهم کرد. همه اینها، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تبدیل پ.ک.ک به بازیگر مدنی باید به‌صورت هم‌زمان اتفاق بیفتند» (Crisis Group Europe Report N 213, 20 September 2011).

به‌عنوان بخشی از فرایند سه‌مرحله‌ای برای پایان دادن به درگیری‌ها و پیدا کردن راه‌حلی سیاسی، در مارس ۲۰۱۳ عبدالله اوجالان، طرفداران خود را دعوت به «غلاف کردن سلاح‌های خود»<sup>۲</sup> و عقب‌نشینی از خاک ترکیه کرد. این گام (آتش‌بس توسط پ.ک.ک و روی آوردن به سازوکار پارلمان) نخستین مرحله از فرایند سه‌مرحله‌ای بود که توسط پ.ک.ک باید انجام می‌شد. در مرحله دوم باید قوانین لازم توسط پارلمان برای اعطای حقوق و خواسته‌های کردها تصویب شود. مرحله سوم هم شامل آزادی زندانیان کرد و تلاش برای پیدا کردن راه‌حلی برای آینده پارتیزان‌ها و جذب آنها در قالب بازیگران سیاسی در ترکیه است (Vilellas, 2014: 5).

---

1. Democratization Package  
2. Silence Weapons

عبدالله اوجالان در بیانیه مارس ۲۰۱۳ خود از هوادارانش خواسته است که به درگیری‌های نظامی با دولت ترکیه پایان دهند و به دنبال راه حل دموکراتیک برای مسئله کردها باشند. فرایند صلح مبتنی بر سه مرحله است: نخست، عقب‌نشینی جنگجویان از ترکیه، دوم، دولت ترکیه اصلاحات لازم را برای رفع نگرانی‌های کردها انجام دهد و سوم، ادغام دوباره اعضای پ.ک.ک در جامعه ترکیه (Abramowitz and Edelman, 2013: 21).

## ۲. نظریه‌های چندفرهنگ‌گرایی

اغلب این‌گونه تصور می‌شود که نابرابری اجتماعی که عامل چالش، تنش و تبعیض در یک جامعه است، در نهایت منجر به مطرح شدن موضوع قومیت در جوامع می‌شود (Icduygu and others, 2010: 991). فلیراس<sup>۱</sup> چندفرهنگ‌گرایی را به‌عنوان «مجموعه‌ای از اصول، سیاست‌ها و اقدامات برای سامان دادن به تنوع در جامعه به‌عنوان جزء مشروع و ضروری جامعه» در نظر می‌گیرد. با در نظر گرفتن این مسئله می‌توان ادعا کرد که بحث فلیراس مبنی بر پذیرفتن این باور است که دولت چندفرهنگی، دولتی است که بنیادهای چندفرهنگ‌گرایی را در خود جای داده و تفاوت‌های فرهنگی افراد ساکن در خود را شناخته است. دولت چندفرهنگ‌گرا از طریق به رسمیت شناختن تفاوت‌های فرهنگی در داخل، وجود هویت مشترکی که باید گسترش یافته و توسط دولت و شهروندان حفظ شود را رد می‌کند (Hansen and others, 2014-2015: 32).

این مسئله، به‌ویژه هنگامی که بحث ریشه‌های نظری دولت چندفرهنگ‌گرا به میان می‌آید، مهم می‌شود. پس از انقلاب فرانسه، این عقیده عمومی مطرح شد که دولت‌ها باید بر پایه ایده ملی‌گرایانه که به ملت دلیل و معنی می‌دهد، شکل گیرند. دولت‌های چندفرهنگ‌گرا این ایده را که دولت‌ها باید بر پایه هویت ملی فراگیر و نه فرهنگ ملی باشد، نمی‌پذیرند، بلکه افراد ساکن در آن باید آزادانه بتوانند هویت فرهنگی خود را در سپهر عمومی نشان دهند و دولت باید محصول آن باشد. دولت «بهترین هویت»<sup>۲</sup> که شهروندان ملزم به مشارکت در آن باشند را تولید نمی‌کند.

---

1. Fleras  
2. Best Identity

بلکه بازتاب‌دهنده هویت‌هایی است که در آن زندگی می‌کنند. دولت‌های چندفرهنگ‌گرا می‌توانند راه‌حل مناسبی برای کشورهای دارای قومیت، کشاکش‌های فرهنگی، کشورهای با میزان مهاجرت بالا و یا کشورهایی که در آنها برنامه‌های همگون‌سازی فرهنگی<sup>۱</sup> جواب نمی‌دهد، باشد (Hansen and others, 2014-2015: 33).

چندفرهنگ‌گرایی به «سیاست هویت»، «سیاست تنوع» و «سیاست شناخت» و تمام عقایدی که به ارزیابی دوباره هویت‌های مورداهانت‌قرار گرفته می‌پردازند و نیز دیدگاه‌هایی که تغییر الگوهای مسلط نمایندگی و اجتماعی که گروه‌های خاصی را به حاشیه می‌رانند، را بررسی می‌کنند، بسیار نزدیک است (The Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2010).

واتسون<sup>۲</sup> در مورد اینکه هویت‌های ملی برنامه‌ای برای همگن‌سازی طراحی می‌کنند و این امر منجر به امنیت روانشناختی مردم آن می‌شود، می‌گوید که این امر منجر به ساخت «حریم امن»<sup>۳</sup> در اطراف اشخاص می‌شود. او بر این باور است که هویت‌های ملی به‌عنوان «نهاد‌های آشنا» یعنی روش‌های ویژه انجام اموری که بسیار آشنا هستند و نوعی از «طبیعت دوم»<sup>۴</sup> می‌شوند، عمل می‌کنند. حس تهدید از سوی این نهاد‌های آشنا می‌تواند منجر به کاهش امنیت روانی شود و بنابراین واکنش‌های منفی در پاسخ به آن به‌وجود آید. ایجاد دولت‌های چندفرهنگ‌گرا تلاش برای مقابله با این نهاد‌های آشنا را در پی دارد، زیرا عده‌ای جایگاه خود را به‌عنوان رهبران دولت‌های ملی از دست می‌دهند (Hansen and others, 2014-2015: 33).

از سوی دیگر، واتسون گذر از دولت‌ملت به «دولت چندفرهنگ‌گرا»<sup>۵</sup> را گامی ممکن می‌داند. او بر این باور است که حس هویت‌های ثابت که توسط ملی‌گرایی گسترش یافته است، به پایان عمر خود رسیده است. هویت‌ها دائم در حال تغییر بوده و ثابت نیستند و همان‌گونه که ملی‌گرایی ادعا می‌کند، هویت‌های ملی به‌صورت محکمی ریشه نگرفته، بلکه سطحی هستند. واتسون ادعا می‌کند که ماهیت ثابت هویت‌های ملی، فریبی است که توسط خود دولت از طریق کانال‌های قدرت مانند آموزش، رسانه و حکومت ایجاد شده است

1. Assimilation
2. Watson
3. Safe Boundary
4. Second Nature
5. Multicultural State

(Goodin, 2006: 289-303). سرانجام واتسون این گونه می‌اندیشد که دولت‌های چندفرهنگ‌گرا می‌توانند به اقلیت‌ها اجازه مشارکت و اظهارنظر در مورد عناصر تشکیل‌دهنده دولت و نحوه عملکرد شهروندان برای رسیدن به هدفشان را بدهند. به‌ترتیب، اسپنسر<sup>۱</sup> می‌نویسد که ایجاد دولت چندفرهنگ‌گرا برای ایجاد حکومت برابری که به اقلیت‌ها در آن موقعیت اظهارنظر داده شود، کافی نیست. ایجاد دولت چندفرهنگ‌گرا باید با برنامه‌ریزی توسط دولت برای ساختن آنچه او «ساختارهای اشتراکی مشارکتی» - ساختارهای معناداری که پروژه برابری اجتماعی میان تمام قومیت‌های مختلف ساکن در یک کشور را پیشنهاد می‌کند- ادامه یابد. این استدلال به این معنی نیست که دولت‌های نامتجانس، دولت‌های تقسیم‌شده‌ای هستند. یک دولت چندفرهنگ‌گرا می‌تواند حس همگنی را در ناهمگنی ایجاد کند. افراد در همان حال که بخشی از فرهنگ یا قومیت خود را احساس می‌کنند (ناهمگنی) در همان حال نیز بخشی از دولت را که در آن با دیگر افراد از قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت زندگی می‌کنند، احساس می‌کنند (تجانس).

گودین<sup>۲</sup> بحث خود را از مدل‌های دموکراسی مکفرسون<sup>۳</sup> آغاز می‌کند و دو نوع متفاوت چندفرهنگ‌گرایی را پیشنهاد می‌دهد: چندفرهنگ‌گرایی محافظتی<sup>۴</sup> و چندفرهنگ‌گرایی چندزبانی<sup>۵</sup>. تفاوت‌های اساسی میان این دو نوع، به انگیزه‌های اجرای آنها و نوع سیاست‌هایی که لازم است، برمی‌گردد (Goodin, 2006: 289-303).

چندفرهنگ‌گرایی محافظتی بر پایه این باور است که چندفرهنگ‌گرایی برای محافظت اقلیت‌ها از اجتماع اکثریت و یا خود دولت لازم است. این ایدئولوژی بر این اعتقاد است که اقلیت‌ها توانمندی دفاع از خود را ندارند و باید توسط ارگانی بزرگ‌تر مانند قانون، حمایت شوند. این نگرش برآمده از عقیده لیبرالیستی بر این مبنا استوار است که هر فردی باید استقلال شخصی داشته باشد و فرهنگ‌های اقلیتی باید در مقابل سرکوب و محرومیت از آزادی‌های شخصی خود محافظت شوند.

- 
1. Spencer
  2. Goodin
  3. McPherson
  4. Protective Multiculturalism
  5. Polyglot Multiculturalism

ویژگی اصلی دیگر چند فرهنگ‌گرایی محافظتی این است که در این نوع چند فرهنگ‌گرایی، فرهنگ‌ها باید در مقابل از دست دادن خلوص خود مصون باشند، راه‌حل این امر درونی‌سازی ویژگی‌های آن فرهنگ و تفکیک آن از دیگر فرهنگ‌ها است. این مسئله به آن معنی است که اقلیت‌های فرهنگی نه تنها از سرکوب، بلکه در مقابل از دست دادن خلوص<sup>۱</sup> خود نیز باید مصون باشند.

نکته جالب توجه در چند فرهنگ‌گرایی محافظتی این است که این نوع چند فرهنگ‌گرایی، چند فرهنگ‌گرایی را به صورت یک مانور دفاعی مطرح می‌کند. این نوع چند فرهنگ‌گرایی می‌تواند به عنوان یک راه‌حل برای جوامعی باشد که دارای اجتماعات فرهنگی متفاوتی بوده و نیاز به حمایت از آزادی‌های شخصی شهروندان خود دارند. ولی این نوع چند فرهنگ‌گرایی، چند فرهنگ‌گرایی را به عنوان یک روش برای توسعه اجتماعی ارتقاء نمی‌دهد. در حقیقت، جوامع چند فرهنگی محافظتی لزوماً برای پذیرش فرهنگ‌های جدید باز نبوده و فقط از اقلیت‌های موجود در آن محافظت می‌کند.

در طرف دیگر، چند فرهنگ‌گرایی چندزبانی استدلال می‌کند که جوامع چند فرهنگی به این دلیل باید ایجاد شوند که تفاوت‌های فرهنگی مؤلفه‌های توسعه‌ای مهمی در جوامع هستند. در مخالفت با چند فرهنگ‌گرایی محافظتی، چند فرهنگ‌گرایی چندزبانی بر این اعتقاد است که جوامع باید بر پایه ناهمگونی فرهنگی که مستلزم گسترش روابط و تبادل دائمی میان فرهنگ‌های مختلف است، بنا شوند. در این نوع چند فرهنگ‌گرایی، دولت چند فرهنگ‌گرا دولتی نیست که چند فرهنگ را که به شکلی خوب مرزبندی شده باشند، در خود جای داده است، بلکه دولتی است که اشخاص از طریق جذب ویژگی‌ها از دیگر فرهنگ‌های جدید در حال توسعه فرهنگی دائمی هستند (Goodin, 2006::289-303).

گودین بر این باور است که هر دو مدل چند فرهنگ‌گرایی می‌توانند با مشکلاتی روبه‌رو شوند؛ این مشکلات زمانی پیش می‌آیند که این مدل‌ها فرهنگ‌هایی را در خود جای داده باشند که با دیگر فرهنگ‌ها در برخورد بوده و یا اصول چند فرهنگ‌گرایی را نپذیرند. متأسفانه او راه‌حل روشنی برای این مشکل ارائه نمی‌دهد.

### ۳. چشم‌انداز تغییر قانون اساسی ترکیه

قانون اساسی، جای درستی برای شروع است. همان‌گونه که جمیل چیچک، سخنگوی پارلمان، گفته است، تغییر قانون اساسی بزرگ‌ترین کار<sup>۱</sup> حزب عدالت و توسعه خواهد بود (Goodin, 2006: 17). نخستین قانون اساسی ترکیه در اواخر امپراتوری عثمانی در سال ۱۸۷۶ تحت تأثیر موج گرایش‌های آزادی‌خواهانه به‌وجود آمد که عمدتاً متأثر از انقلاب‌های اجتماعی در اروپا و آمریکا، به‌ویژه انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ به‌نام مشروطیت اول به‌وقوع پیوست. اما مدت زیادی از این تغییر نگذشته بود که پادشاه عثمانی به بهانه جنگ با شوروی سابق، اجرای آن را به‌حالت تعلیق درآورد (غفاری و اکبری، ۱۳۹۱: ۱۶۳-۱۶۱).

قانون اساسی سال ۱۹۸۲ ترکیه، متنی غیردموکراتیک برای محکم کردن ساختارهای حکومتی اقتدارگرا و مراکز نظامی و بوروکراتیک است که از زمان تصویب تاکنون، هفده بار اصلاحیه به آن افزوده شده است. آخرین اصلاحیه در سال ۲۰۱۰ اتفاق افتاده است که شامل تغییرات گسترده‌ای در سیستم قضایی و حقوق و آزادی‌های اساسی است. با وجود این، هنوز هم روح اقتدارگرایی قانون اساسی ۱۹۸۲ و حفظ اقتدار حکومت به‌جای آزادی و حقوق، باقی مانده است. در طول مبارزه‌های انتخابات ملی سال ۲۰۱۱، اکثر احزاب قوی در ترکیه، تغییر قانون اساسی را به‌عنوان اولویت مهم در برنامه‌های خود در صورت پیروزی - اعلام کردند. حزب عدالت و توسعه اعلام کرد که کار بر روی قانون اساسی جدید، نخستین اولویتش پس از انتخابات خواهد بود. انتخابات ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ که با مشارکت ۸۷ درصدی مردم همراه بود، منجر به سومین پیروزی پی‌درپی حزب عدالت و توسعه شد (Keyman and Kanci, 2012: 204). قانونی که در سال ۱۹۸۲ نوشته شد، مبتنی بر حکومت قانون<sup>۲</sup> در این کشور نبود، بلکه به‌جای آن، ترکیه را تبدیل به کشور قوانین<sup>۳</sup> کرد. این قانون اساسی یکی از موانع اصلی در حل مسئله شهروندان کرد در ترکیه چه به‌لحاظ پاسخ به تقاضاهای مشروع آنها و چه در بیان تمایزات فرهنگی کردها در ترکیه و چه در بعد ادعای داشتن هویتی متفاوت از هویت ترک‌ها است (Thorp, 2011: 5).

1. Biggest Job
2. Rule of Law
3. Country of Laws



پس از انتخابات، فرایندی سه‌مرحله‌ای برای پیش‌نویس قانون اساسی تدبیر شد. مرحله نخست، ایجاد کمیسیون پارلمانی<sup>۱</sup> برای بحث‌های اجتماعی است. در واقع، تدوین قانون اساسی مدنی برای استحکام دموکراسی و فرهنگ زندگی در کنار هم با وجود تنوع، نیازمند بحث و مشارکت اجتماعی است. مرحله دوم، پیش‌نویس قانون اساسی جدید توسط کمیسیون و مرحله سوم، بحث عمومی درباره پیش‌نویس قانون اساسی و ایجاد تغییرات لازم توسط کمیسیون و فرستادن آن به کمیته تخصصی قانون اساسی<sup>۲</sup> و درنهایت ارجاع به مجمع عمومی<sup>۳</sup> برای کسب موافقت پارلمان است (Keyman and Kanci, 2012: 204). اکنون بسیاری از کردها مسئله را به‌عنوان مسئله کردها در ترکیه در نظر نمی‌گیرند، بلکه سال‌ها است که بسیاری از آنها بر این اعتقادند که ترکیه مشکل دموکراسی دارد. در واقع باید گفت که ترکیه مانند سایر دموکراسی‌های انتخابی، در حوزه اصول لیبرالیسم دچار مشکل است (Fevzi bilgin, 2012: 13-14).

#### ۴. حزب عدالت و توسعه و مسئله کردها در بعد داخلی

حزب عدالت و توسعه بر دموکراتیزاسیون<sup>۴</sup> و استفاده از قدرت نرم به‌جای امنیتی‌کردن<sup>۵</sup> در دوره پس از یازده سپتامبر تأکید کرد. باید گفت که این حزب در حالی این سیاست را در پیش گرفت که پس از حادثه یازده سپتامبر، در بعد جهانی شاهد روی آوردن کشورها به امنیت به‌جای تأکید بر دموکراسی هستیم (Öniş and Yilmaz, 2009: 2). می‌توان گفت مؤلفه‌های داخلی که راه را برای شروع گفت‌وگو هموار کردند، می‌توانند در ادامه گفت‌وگوها نیز مؤثر باشند. این شرایط عبارتند از: پذیرش مسئله عدم تسلط نظامیان بر سیاست توسط تمام احزاب، پذیرش این مسئله که گفت‌وگوهای صلح و اصلاحات دموکراتیک، پاسخی مناسب به تبعیض تاریخی در مقابل کردها در ترکیه توسط بازیگران سیاسی اصلی است، پذیرش این مسئله توسط پ.ک.ک که گزینه نظامی راه‌حل

---

1. Parliamentary Commission  
2. Standing Constitution Committee  
3. General Assembly  
4. Democratization  
5. Securitization

مناسب برای حل این مسئله نیست، و توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی ترکیه در دهه اخیر. مؤلفه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای هم در این فرایند مؤثر بوده‌اند. این مؤلفه‌ها عبارتند از: منزوی شدن پ.ک.ک در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، همکاری کشورهای منطقه برای مبارزه با تروریسم، عدم مشروعیت بین‌المللی پ.ک.ک، و تجربه تلخ پارتیزان‌ها در کشورهای دیگر (برای مثال تجربه ببرهای تامیل<sup>۱</sup> در سری لانکا<sup>۲</sup> و گفت‌وگوی میان دولت کلمبیا و نیروهای مسلح انقلابی جنبش پارتیزانی این کشور) (Villemas, 2014: 6).

با وجود این چالش‌ها، تردیدی وجود ندارد که فرایند فعلی، مهم‌ترین فرصت برای تمام طرف‌های درگیر در آن است. عواملی مانند موضع قدرتمند حزب عدالت و توسعه در پارلمان ترکیه، حضور نداشتن نظامیان قدرتمند در سیاست ترکیه که مانع اقدامات صلح شوند، اراده ترکیه بر همکاری با اربیل به دلایل اقتصادی و سیاسی و شخصیت قدرتمند رهبر حزب عدالت و توسعه، یعنی اردوغان، فضای خوش‌بینانه‌ای برای تحولات آینده فراهم کرده است.

روزنامه‌نگار ترکیه‌ای، چنگیز چاندار<sup>۳</sup> در این مورد می‌نویسد: «آیا اردوغان با قدرتی که دارد برای انجام دموکراتیزاسیون گسترده‌تر در راستای حل مسئله کردها که برای او امتیازات زیادی به‌ویژه در این روزهای سخت فعالیت سیاسی‌اش (منظور تحولات پارک گزی و انتخابات ریاست‌جمهوری است) دارد، اقدام خواهد کرد؟ یا دست برتر او را تشویق به توقف اصلاحاتی که کردها را قانع می‌کند، خواهد کرد؟» (Candar, 2013: 2).

مقامات حزب عدالت و توسعه امیدهای زیادی به بسته اصلاحی خود ایجاد کرده و با تعهد به «تداوم انقلاب خاموش»<sup>۴</sup>، آن را به‌عنوان فراگیرترین اصلاحاتی که جامعه ترکیه تاکنون به خود دیده است، تحسین کرده‌اند و آن را مرحله‌ای جدید و قطعی برای انجام دموکراتیزاسیون در این کشور دانسته‌اند.

1. Tamil Tigers
2. Sri Lanka
3. Cengiz Candar
4. Continuation of the Silent Revolution

## ۵. نظریه‌های چندفرهنگ‌گرایی در تحلیل صلح ترکیه و کردها

در این بخش با استفاده از نظریه‌های چندفرهنگ‌گرایی به بررسی شیوه حل مسالمت‌آمیز مشکل کردها در ترکیه از طریق شناسایی کردها به‌عنوان یک موجودیت<sup>۱</sup> فرهنگی مستقل در داخل دولت ترکیه و به تبع آن کسب حمایت آنها برای دولت ترکیه به‌عنوان یک کل، خواهیم پرداخت.

عامل فرهنگی نقش عمده‌ای در تداوم هویت کردی در قرن بیستم داشته است، زیرا حکومت‌های محلی کرد در آغاز قرن بیستم نابود شدند و جای آنها را دولت‌مملکت‌های متمرکز در ایران، ترکیه، عراق و سوریه گرفت که خودمختاری محلی کردها را نادیده گرفتند. همچنین، این دولت‌مملکت‌ها که بر مدرنیزاسیون آمرانه و شهرنشینی تأکید می‌کردند، ساختار عشیره‌ای را از بین بردند. اگرچه پیشرفت فناوری مانع شرایط جغرافیایی را از بین برده، اما عامل فرهنگی همچنان تداوم داشته است (ارجمند و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۹).

دولت‌های چندفرهنگ‌گرا برپایه شناسایی تفاوت‌های فرهنگی موجود در جامعه بنا شده‌اند. با یادآوری این نکته، بحث را این‌گونه پیش می‌بریم که دولت چندفرهنگ‌گرا در تضاد با مدل ملت ترکیه که توسط کمالیست‌ها ارائه شده، قرار می‌گیرد و فرصتی را برای گفتگوی دوباره میان حکومت ترکیه و جمعیت کردی فراهم می‌کند. همان‌گونه که واتسون می‌گوید، دولت چندفرهنگ‌گرا می‌تواند راه‌حلی را پیش‌روی اقلیت‌ها قرار دهد و امکان داشتن صدایی در جامعه را برای آنها فراهم می‌کند.

در شرایط فعلی ترکیه، جمعیت کردها حق رأی، نماینده سیاسی و دیگر شکل‌های مشارکت در سپهر عمومی را دارند، ولی اینها کافی نیستند. از طریق فرایند شناسایی جمعیت کردی و پذیرش هویت فرهنگی آنها، زمینه مشارکت سیاسی واقعی و برابر برای آنها می‌تواند ایجاد شود. اسپنسر بر این اعتقاد است که دولت‌های چندفرهنگ‌گرا می‌توانند از طریق ایجاد حس تعلق در شهروندان به دولتی که آنها را برابر در نظر می‌گیرد، همگنی را در عین ناهمگنی ایجاد کنند. بنابراین براساس استدلال‌های اسپنسر، اگر ترکیه فرایند گشاده‌دستی و به‌رسمیت شناختن اقلیت قومی کردی را شروع کند، جمعیت کردی خودشان را به‌عنوان بخشی از دولت ترکیه خواهند شناخت.

اگر دولت چندفرهنگ‌گرا همان‌گونه که اسپنسر ادعا می‌کند بتواند حس تعلق به ترکیه را در بین جمعیت کردی ایجاد کند، همچنین می‌تواند حس مالکیت دولت ترکیه که دلیل اصلی تنش است را از بین ببرد. ایجاد دولت چندفرهنگ‌گرا در ترکیه می‌تواند موانعی را که توسط کمالیست‌ها ایجاد شده از میان بردارد و حکومتی ایجاد کند که به‌طور برابر شهروندان خود را نمایندگی می‌کند و درنهایت صلح را به ترکیه می‌آورد. شکی نیست که نخستین گامی که دولت ترکیه باید بردارد، باز کردن سیستم قضایی به‌روی جمعیت کردی به‌عنوان بازیگری شناخته‌شده در جامعه و به‌همین ترتیب حذف موادی از قانون اساسی است که نشانهٔ پروژه ملی‌گرایی کردها بوده و خواهان محرومیت آنها است.

دلایل محافظت‌گرایان برای ایجاد دولت چندفرهنگ‌گرای ترکی بسیار روشن است. در حال حاضر کردها اقلیتی قومی هستند و باید در مقابل سیاست‌های سرکوبگرانه دولت که آزادی‌های آنها را به‌عنوان شهروند محدود می‌کند، محافظت شوند. اهداف بلندمدت دولت چندفرهنگ‌گرا می‌تواند متفاوت باشد و بنابراین بسیار سخت است که نتیجه‌ای را مشخص کرد و فهمید که کدام مدل بهترین بوده و احتمال اجرایی شدن آن بیشتر است.

به‌هرحال و با درنظر گرفتن شرایط فعلی در ترکیه به‌نظر می‌رسد که مدل دولت چندفرهنگ‌گرای محافظتی، ممکن‌ترین روش، دست‌کم به‌عنوان نقطه آغاز است که به دولت اجازه خواهد داد به‌سمت بحث برابر در مورد اهداف بلندمدت دولت حرکت کند. نکته دارای اهمیت این است که همان‌گونه که اسپنسر می‌گوید، دولت ترکیه مجبور خواهد بود برای جلوگیری از شکاف اجتماعی و نابرابری بیشتر - که حاصل تفاوت‌های قومیتی هستند - ساختارهای مشترک مشارکتی ایجاد کند. مبارزه با چنین شکاف‌ها و نابرابری‌هایی باید از اهداف روشن دولت باشد، زیرا شکاف‌های اجتماعی منجر به بروز تنش میان قومیت‌ها در یک کشور می‌شوند.

## نتیجه‌گیری

مسئله کردها در ترکیه مبحثی پیچیده و چندوجهی و مسئله‌ای سیاسی درباره دموکراتیزاسیون، حقوق و آزادی‌های اساسی و شناسایی حقوق فرهنگی است. اتخاذ یک راه‌حل صلح‌آمیز برای این مسئله طولانی، نیازمند در نظر گرفتن جوانب سیاسی، اجتماعی و منطقه‌ای آن است. مسئله مهم این است که براساس نظرسنجی‌ها، اکثر مردم ترکیه با تقاضای کردها برای اعطای حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... به آن مخالفت نمی‌کنند و مانعی برای فرایند صلح نمی‌شوند.

تردید وجود ندارد که پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، تغییرات زیادی در وضعیت فرهنگی و سیاسی کردهای ترکیه اتفاق افتاده و موجب بهبود وضعیت آنها شده است. بعضی از این اصلاحات، در واقع ادامه سیاست‌هایی است که توسط دولت ائتلاف پیش از حزب عدالت و توسعه اتخاذ شده بود. سیاست‌هایی مانند ترک وضعیت اضطراری، عفو و تخفیف در مجازات بسیاری از اعضای بازداشت‌شده پ.ک.ک، کمک و حمایت از کردهایی که به اجبار خانه‌های خود را ترک کرده بودند، برای بازگشت به خانه‌های خود، در دولت ائتلاف اتخاذ شده بودند. فراتر از این اقدامات، حزب عدالت و توسعه سیاست‌هایی را در راستای انجام دموکراتیزاسیون در پیش گرفته، که موجب بهبود وضعیت حقوق بشر در ترکیه و گسترده‌تر شدن حوزه آزادی بیان و تشکیل اجتماعات شده است. به‌علاوه قوانینی توسط حزب عدالت و توسعه ایجاد شد که مواردی مانند پخش محدود تلویزیون کردی، دوره‌های آموزش زبان کردی<sup>۱</sup> در مدرسه‌های خصوصی و برخی اقدامات دیگر را مجاز کرد و شاید مهم‌ترین مورد آن، اجازه پخش تلویزیون ملی کردی بیست و چهار ساعته (تی.آر.تی ۶)<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۹ باشد. همچنین دوره‌های آموزش زبان کردی در چندین دانشگاه با آغاز آن در دانشگاه بیلگی<sup>۳</sup> - شروع شده است. علاوه بر اینها ممنوعیت استفاده از زبان کردی در مبارزه‌های سیاسی و... نیز برداشته شده است.

---

1. Kurdish Language  
2. Kurdish National TV Broadcasting (TRT 6)  
3. Bilgi University

تمام این اصلاحات امیدها را برای حل مسئله کردها در ترکیه افزایش داده است. علاوه بر این، این اصلاحات موجب شده است که حزب عدالت و توسعه بتواند کرسی‌های بیشتری را در انتخابات مختلف کسب کند. با وجود مخالفت‌های گروه‌های ناراضی از اعطای حقوق به کردها و به‌ویژه کمالیست‌ها و نظامیان وابسته به این حزب، حزب عدالت و توسعه توانسته است به این حد از اصلاحات و بهبود وضعیت کردها دست یابد. البته نباید از این نکته غافل شویم که سیاست‌ها و اقدامات حزب عدالت و توسعه در قبال کردها عاری از اشتباه و ضعف نبوده است. یکی از بخش‌هایی که تغییر در آن قابل توجه بوده، ماهیت هویت و حقوق کردها است. موضوعاتی که پیشتر تابو بودند، اکنون آشکارا مورد بحث قرار می‌گیرند. به‌ویژه عقیده دولت مستقل کرد<sup>۱</sup> در ترکیه، بسیار در رسانه‌ها مورد بحث و بررسی بررسی قرار می‌گیرد. پس از دهه‌ها ممنوعیت استفاده از واژه «کرد»<sup>۲</sup>، اکنون این واژه توسط مقامات دولتی و همچنین رسانه‌ها استفاده می‌شود. همچنین زبان کردی که برای دهه‌ها ممنوع بود، اکنون در وضعیت دموکراتیک، این زبان صدای مشروعی است.

در نظریه‌های چندفرهنگ‌گرایی اعتقاد بر این است که هویت‌های متفاوت می‌توانند در یک جامعه در کنار هم قرار گیرند، بدون آنکه انسجام و وحدت آن جامعه مخدوش شود. در مورد دولت ترکیه هم باید گفت که چه از روی اجبار و چه از روی اختیار، این دولت شناخت هویت کردی را در دستور کار قرار داده است. در مورد زبان، در حال حاضر زبان کردی صدای مشروعی است و استفاده از آن منعی ندارد؛ لازم است گفته شود که استفاده از این زبان تا چند سال پیش غیرقانونی بود. پس می‌توان گفت که نظریه‌های چندفرهنگ‌گرایی می‌توانند این فرایند را برای ما تبیین کنند.

سخن آخر اینکه نظریه‌های چندفرهنگ‌گرایی به این دلیل که به شناخت هویت قومیت‌های مختلف در داخل یک کشور اهمیت زیادی می‌دهند، می‌توانند در کشورهایی که گشایشی در قبال جمعیت‌های قومی خود ایجاد کرده‌اند، قدرت تبیین داشته باشند. در اینجا هم این نظریه‌ها می‌توانند فرایند صلح ترکیه و کردهای این کشور را تبیین کنند و

---

1. Independent Kurdish State  
2. Kurd

البته همان‌گونه که گفته شد، چالش‌های اساسی همچنان پابرجاست. فرایند صلح ترکیه با کردهای این کشور حاکی از این است که در ترکیه اراده‌ای مبنی بر به رسمیت شناختن هویت و زبان کردی به وجود آمده است. فرض ما بر این بود که این نظریه‌ها توان تبیین فرایند صلح را در ترکیه دارند. با در نظر گرفتن سیاست‌ها و برنامه‌های حزب عدالت و توسعه در عرصه سیاست داخلی ترکیه مشخص می‌شود که در این کشور تغییری اساسی در نگرش به کردها به وجود آمده و دیگر عنوان‌هایی مانند «ترک‌های پشت‌کوهی» در مورد کردها جایگاه خود را از دست داده و کردها دارای حزب سیاسی شده‌اند و همچنین سه وزیر از وزرای دولت فعلی از جمعیت کردزبان ترکیه هستند. روند انعطاف در قبال جمعیت کردی در ترکیه همچنان ادامه دارد، ولی با وجود این، نگرانی‌های گفته شده هنوز رفع نشده‌اند و ممکن است با تشدید شرایط و نگرانی‌های گفته شده، این نظریه نتواند شرایط موجود در ترکیه را تبیین کند.

## یادداشت‌ها:

۱. با شکست بدرخان بیک، جد خاندان بدرخانی، مبارزه در راه استقلال کردستان ترکیه توسط این خاندان ادامه یافت، لیکن شیوه‌های آن با توجه به موقعیت بدرخانی‌ها متفاوت بود. تا زمانی که بدرخانی‌ها به‌عنوان امرای (فتودال‌های) منطقه در سرزمین‌های کردی حضور داشتند و رهبری روستاییان برعهده ایشان بود، شیوه مبارزه‌شان به همان نحو سنتی و نظیر بدرخان بیک انجام می‌شد، اما از اوایل قرن بیستم که بدرخانی‌ها به اشراف شهری (آریستوکرات) تبدیل شدند، روش آنها تغییر کرد و ملی‌گرایی و استقلال‌طلبی‌شان، شکل مبارزه سیاسی، حزبی و فرهنگی به‌خود گرفت.

## منابع

### الف) فارسی

اعضادالسلطنه، نوژن (۱۳۹۱)، *احزاب اسلامی و چشم‌انداز لائیسیتته در ترکیه*، تهران: انتشارات چاپخش.

جوادی ارجمند، محمد، توکل‌یان، سیدمحسن و قمریان ناصرآبادی، ناهید (۱۳۹۳)، «بررسی نقش هویت قومی بر امنیت پایدار: مطالعه موردی منطقه کردستان ایران (قومیت کرد)»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، دوره ششم، شماره ۲۱.

چگنی‌زاده، غلامعلی و آثارتمر، محمد (۱۳۸۸)، «تحركات قومی کردها و امنیت ملی ترکیه»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال اول، شماره دوم.

غفاری، مسعود و اکبری، نورالدین (۱۳۹۱)، «روند اصلاح قانون اساسی در ترکیه و تأثیر آن بر پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۱.

نقدی‌نژاد، حسن (۱۳۸۷)، *پیروزی مجدد اسلام‌گرایان در ترکیه*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، در:

<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtid=05&&depid=50&semid=319>.

### ب) انگلیسی

Arabella, Thorp (2011), *Turkey's 2011 Elections and Beyond*, SN/IA/6035, House of Commons Library, International Affairs and Defence Section.

Ana, Vilellas (2014), "The Kurds in the Spotlight: Local and Regional Challenges", *NOREF Report* (Norwegian Peacebuilding Resource Centre).

British documents on foreign affairs (1997), "Reports and Papers from the Foreign Office Confidential Print: From the First to the Second World War",



Series B, **Turkey, Iran, and the Middle East 1918-1939**, Edition 32, University Publications of America, 1997.

Ben, Smith (2013), "The Kurds: New Perspective?", **House of Commons Library (International Affairs Section)**.

Cengiz, Candar (2013), "Erdogan Taksim Square and the Kurdish Peace Process", **AlMonitor**.

Erdem, Tarhan (2013) "Konda Turkish Public Opinion Research Company, 2010-2013 Survey", available at: <http://www.hurriyetdailynews.com/how-many-kurds-live-in-turkey.aspx?pageID=449&nID=45644&NewsCatID=396>.

Fevzi, Bilgin (2012), **Resolving Turkey's Kurdish Issue**, Rethink Institute, Washington DC.

Icduygu and others (2010), *the Ethnic Question in an Environment of Insecurity: the Kurds in Turkey, Ethnic and Racial Studies*, London: Routledge.

Hils, Silke (2012), "Europeanization of Turkey's Kurdish Policy?! Years 2002-2011", **Master thesis**, Europa – Universitat Viadrina, Istanbul Bilgi University.

Keyman, E. Fuat; Kanci, Tuba (2012), "Turkey in 2012: A General Overview", **Geographical Overview; Middle East and Turkey**.

Mathias koue Hansen, Nadia Nobbelunde, Julian Lu Curlo, Mathilde Soving Bergmann Christensen, (2014-2015), **Turkish Nationalism and the Kurdish Question**, Roskilde University Digital Archive.

Morton, Abramowitz and Eris, Edelman (2013), **From Rhetoric to Reality: Reframing US Turkey Policy**, Bipartisan Policy Center.

Olson, Robert W. (1996), **Imperial Meanderings and Republican by-ways: Essays on Eighteenth Century Ottoman and Twentieth Century History of Turkey**, Isis Press.

Ozsoy, Hisyar (2013), **Introduction: the Kurds Ordeal with Turkey in a Transforming Middle East**, Springer.

Robert, E. Goodin, (2006), **Liberal Multiculturalism (Protective and Polyglot)**, Sage Publications.

Sardag, Esra (2015), "Kobani, Turkey's Kurds, and the 2015", Turkish Parliamentary Elections, **Center for American Progress**, available at: <https://cdn.americanprogress.org/wp-content/uploads/2015/03/kobani-brief-PREP.pdf>.

Tahiri, Hussein (2007), **The Structure of Kurdish Society and the Struggle for a Kurdish State**, Costa Mesa, California: Mazda Publications.

**The Stanford Encyclopedia of Philosophy** (2010) "Multiculturalism First published Fri Sep 24, 2010", available at: <http://plato.stanford.edu/entries/multiculturalism/>.

Turkey: Ending the PKK Insurgency, Crisis Group Europe Report N 213, 20 September 2011.

Ziya Öniş-Şuhnaz Yılmaz (2010), "Between Europeanization and Euro-Asianism: Foreign Policy Activism in Turkey During the AKP Era", **Turkish Studies Special Issue**, available at: <http://plato.stanford.edu/entries/multiculturalism> First published Fri Sep 24, 2010.

### ج) ترکی

Birand, Mehmet Ali (1992), "Apo ve Pkk. MİLLİYET YAYINLARI, Birinci Baskı", available at: <http://edebiyatdefteri.com/apo-ve-pkk-mehmet-ali-birand+pdf/kitabi>.

Güçlü, İbrahim (2013), "Atatürk ve Kürtler: Kürtler Atatürk'ü neden sevmez?", Available at: <http://www.timeturk.com/tr/2013/08/14/ataturk-ve-kurtler-kurtler-ataturk-u-neden-sevmez.html>.

Olson, Robert (2002), "'Kurds', Karen Christensen ve David Levinson", *Encyclopedia of Modern Asia*, New York: Charles Scribner's Sons, pp.412-415.

Oral, Mahmut (2015), "İşte Öcalan'ın nevrüz mesajı Cumhuriyet Yayınlanma", available at: [http://www.cumhuriyet.com.tr/haber/turkiye/232961/iste\\_Ocalan\\_in\\_nevruz\\_mesaji.html](http://www.cumhuriyet.com.tr/haber/turkiye/232961/iste_Ocalan_in_nevruz_mesaji.html) tarihi: 20 Mart 2015 Cuma.

Yenisafak (2000), "Sanıksız kalan katliam", available at: <http://www.yenisafak.com.tr/arsiv/2000/temmuz/05/g3.html>.

Yunanistan'ın terör örgütü PKK'ya verdiği açık destek (2003), available at: <http://www.byegm.gov.tr/yayinlarimiz/ANADOLUNUNSESI/151/AND5.htm>.